

بررسی اصل سودرسانی از منظر فقه زیست پزشکی

سهیلا صفایی^۱

محمود عباسی^۲

چکیده

اصل سودرسانی دومین اصل از اصول چهارگانه اخلاق زیستی است که به عنوان یک کد و راهنمای اخلاقی در جهت حمایت و حفاظت از سوزدهای انسانی در انجام آزمایشات و پژوهش های درمانی و تحقیقاتی تعیین شده است.

این اصل نیز مانند سایر اصول اخلاق زیستی به دنبال پیشرفت های سریع بشر در زمینه زیست پزشکی و لزوم تدوین اصول راهنما در جهت کنترل محدوده کاربرد آنها به گونه ای که تنها در جهت سلامتی و رفاه و بهروزی انسان های مورد پژوهش و سایر انسان ها باشد مطرح و مورد قبول مجامع علمی و اخلاقی و دینی قرار گرفته است.

اصل سودرسانی که در فرهنگ غنی اسلامی به ویژه در فقه می توان از آن به عنوان اصل احسان و خیرخواهی نام برد مفهوم بسیار عمیق و گسترده و مصادیق فراوانی دارد که این مقاله با بهره گیری از منابع فقه امامیه به بررسی برخی از این مصادیق و سپس ارتباط و کاربرد آنها در فقه زیست پزشکی می پردازد.

واژگان کلیدی

اصل سودرسانی، مصالح و مفاسد، اصل اخوت، اصل تعاون، اصل مصلحت عمومی، اصل مسئولیت همگانی، فقه زیست پزشکی

۱. دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

Email:ssafaei_57@yahoo.com

۲. فلوشیپ اخلاق زیست پزشکی، رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و نایب رئیس انجمن بین المللی اخلاق زیستی اسلامی

Email:Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

بررسی اصل سودرسانی از منظر فقه زیست پزشکی

اخلاق زیستی از مهم‌ترین شاخه‌های اخلاق کاربردی در زمینه تحقیقات زیست‌فناوری و کاربرد عملی آن در زمینه پزشکی است. اخلاق زیستی محدوده و چگونگی کاربرد تکنولوژی‌های مربوط به تولید مثل، مهندسی ژنتیک، ژن‌درمانی، سلول‌های بنیادی و به‌طور کلی تکنولوژی‌های زیستی و همچنین مسایل مربوط به خاتمه حیات مانند اتانازی و سقط جنین را کنترل و مشخص می‌کند. بنابراین گستره‌ی آن حیات انسان را پیش از تولد، در طول زندگی و پس از مرگ دربر می‌گیرد. علاوه بر آن اخلاق زیست‌محیطی و اخلاق رفتار با حیوانات نیز بخش‌هایی از اخلاق زیستی به شمار می‌روند.

با تهیه و تدوین ارکان و اصول حاکم بر اخلاق زیستی برنامه راهبردی و عملی فراروی چالش‌های اخلاقی ناشی از پیشرفت در عرصه زیست‌فناوری و به‌طور کلی اخلاق هنجاری کاربردی و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی ارائه گردید.

از سال ۱۹۴۵ موازین و اصول اخلاقی مختلفی در قالب کدهای اخلاقی در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی مانند اعلامیه نورنبرگ، اعلامیه هلسینکی، اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر و... تعیین و به‌وسیله سازمان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند که ماحصل آن‌ها چهار اصل و قاعده کلی است که به‌عنوان ارکان بنیادین اخلاق زیستی مورد توجه مجامع بین‌المللی و دانشمندان اخلاق قرار گرفته است. این اصول چهارگانه که اولین بار توسط دو فیلسوف بزرگ اخلاق غرب به نام‌های بیشامپ و چیلدرس^۱ در کتاب معروفشان به نام «اصول اخلاقیات زیست پزشکی»^۲ و به‌منظور تعیین تکالیف و تبیین حقوق در بستر اخلاق منقح و مطرح گردید عبارتند از: اصل خودمختاری، اصل سودرسانی، اصل زیان نرساندن و اصل عدالت.

اصل سودرسانی یکی از اصول بنیادین اخلاق زیست پزشکی است که پرداختن به آن در عرصه‌های زیست پزشکی از اهمیت خاصی برخوردار است. از طرفی فقه دانی است که عهده‌دار کشف شریعت و احکام الهی برای مکلفین است و از آن به عنوان مجموعه قواعدی یاد می‌شود که ناظر بر کلیه ابعاد زندگی انسان اعم از مادی و معنوی است و چون موضوع آن اعمال و رفتار انسان‌های مکلف است بنابراین همه تعاملات و رفتار یک مسلمان در رابطه‌اش با خدا، با خود و با هم‌نوعانش را دربر می‌گیرد.

فقه زیست پزشکی احکام و دستورات فقه و شریعت در زمینه تعیین محدوده صحیح کاربرد تکنولوژی‌های زیستی و پزشکی مانند باروری‌های مصنوعی، ژن‌درمانی، پیوند اعضا، شبیه‌سازی و... و رفع چالش‌های ناشی از آن است به گونه‌ای که با حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی و برابر دانستن همه ابنای بشر تنها در جهت مصالح و بهروزی و سلامتی همه انسان‌ها قرار گرفته و موجبات اضرار و ضرر به فرد و جامعه انسانی و نسل بشریت را فراهم نیاورد.

اصل سودرسانی در محدوده اخلاق زیستی بر این نکته دلالت دارد که تحقیقات و پژوهش‌های پزشکی - درمانی و غیردرمانی و به‌طور کلی هرگونه به‌کارگیری فناوری‌های نوین زیست پزشکی جهت درمان یا پژوهش بر روی سوژه‌های انسانی بایستی براساس خیرخواهی بوده و بیشترین سود ممکن را برای فرد آزمودنی و جامعه به دنبال داشته باشد، اما این اصل در قرآن کریم، احادیث، فرهنگ و اندیشه اسلامی و فقه و نظام تشریع مفهومی بس وسیع و گسترده دارد و در بخش‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، فقهی، عبادی و معنوی آن - که گرچه به لحاظ ضرورت ابعاد مختلف زندگی انسان، ساحت‌های متمایزی دارند ولی روح واحدی در همه آن‌ها جاری است و هدف واحدی را دنبال می‌کنند که همان تقرب انسان به خداوند تعالی یعنی رسیدن به غایت کمال است - نقشی

بنیادین را ایفا نموده و با بیان‌های مختلف در قرآن و سیره و کلام معصومین(ع) مورد تأکید قرار گرفته است.

نگارندگان در این مقاله، اصل سودرسانی به مثابه یک اصل اخلاقی را از منظر فقه زیست پزشکی مورد مطالعه قرار می‌دهند.

۱- جایگاه اصل سودرسانی و رحمت و احسان در نظام تشریع

الف - جایگاه اصل سودرسانی در نظام تشریع

همه اوامر و احکام الهی براساس اصل سودمندی برای انسان‌ها استوار است. اساساً احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی‌اند. نظام تشریع اسلامی براساس مصلحت و منفعت مادی و معنوی انسان‌هاست و از این مصلحت و سودمندی در همه مباحث فقهی بهره گرفته می‌شود. فقها نیز در کتاب‌های خود بر این نکته تأکید کرده‌اند. از جمله شهید اول در کتاب «القواعد و الفوائد» می‌فرماید: «غرض خداوند از وضع احکام و شرایع جلب منفعت و یا دفع ضرر دنیوی و اخروی از برای بندگان می‌باشد... و نظام تشریع جهت حفظ مقاصد پنج‌گانه یعنی حفظ نفس، دین، عقل، نسب و مال (ضروریات خمس) آمده است (عاملی، ج ۱، ص ۳۳ و ۳۸).»

شهید مطهری نیز فرموده‌اند: «یکی از مسائلی که از صدر اسلام در میان مسلمین مطرح بوده این است که در این دین دستوری که تعبد محض باشد، یعنی خالی از هر مصلحت و حکمتی و صرفاً یک دستور اختراعی محض باشد وجود ندارد. علمای اسلام می‌گویند: هر دستوری از دستورات اسلام، چه واجب، چه مستحب، چه حرام و چه مکروه حتماً به خاطر یک مصلحت یا دفع یک مفسده است و به همین جهت خاصیت حکیمانه‌ای دارد. اسلام گزاف حرف نمی‌زند، این پیوندی که میان عقل و دین اسلام هست، در مورد هیچ دینی وجود ندارد (مطهری، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷).»

آنچه بدان امر شده مصالح و خیر جسمی، معنوی، اخروی و اجتماعی بندگان در آن است و هر چه برخلاف مصالح انسان‌ها باشد و یا به مصالح آنان آسیب برساند مورد نهی قرار گرفته و غیرمشروع است. از آنجا که خداوند متعال خالق انسان و عقل و فطرت اوست و به همه نیازهای وجودی و مصالح او برای رسیدن به کمال و سعادت علیم است، اوامر و نواهی او که براساس مصلحت و مفسده و مطابق با عقل و فطرت بشر و هماهنگی با نظام تکوین است کامل‌ترین و جاودانه‌ترین نظام تشریع را تشکیل می‌دهد و فقه اسلام نیز که در پی درک و کشف احکام الهی است بر همین ملاک استوار است. اگر عقل انسان هم این مصالح و مفسدات را کشف کند از باب قاعده تلازم عقل و شرع مطابق شرع حکم می‌کند.

امام باقر(ع) در پاسخ کسی که از ایشان سؤال کرده بود چرا خداوند مردار، خون، گوشت خوک و شراب را حرام کرده است فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ مَا سَوَى ذَلِكَ مِنْ رَغْبَةٍ فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ وَ لَا يُهْدَى فِي مَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ فَعَلِمَ مَا تُقَوِّمُ بِهِ أَبْدَانَهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَاحَهُ لَهُمْ وَ عَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَنَهَاكَ عَنْهُ ، ثُمَّ أَحَلَّهُ لِلْمُضْطَرِّ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقْوَمُ بَدَنُهُ إِلَّا بِهِ فَأَحَلَّهُ لَهُ بِقَدْرِ الْبَلْغَةِ لِأَغْيَرِ ذَلِكَ... (حر عاملی، ج ۱۶، ص ۳۱۰، حدیث ۱)»

«خداوند که این‌ها را حرام و غیر این‌ها را حلال قرار داده به جهت رغبت به چیزهای حلال و بی‌میلی به چیزهای حرام نیست، بلکه خداوند عزّ و جلّ پس از آفرینش مخلوقات آنچه را که می‌دانست مایه قوام بدن آنهاست و برایشان سودمند است برای آن‌ها حلال و مباح قرار داد و آن‌ها را از آنچه برایشان زیان‌آور است بازداشت. آنگاه همان چیز را برای شخص مضطّرّ در زمانی که بدنش جز به‌وسیله آن نمی‌تواند استوار بماند به اندازه رفع نیاز و نه بیشتر حلال کرد.»

در فقه از این مصلحت‌ها و مفسده‌ها به ملاک و علت احکام تعبیر شده است که با تغییر آن‌ها برخی احکام شرعی نیز تغییر می‌یابند. به عنوان نمونه در

زمان‌های گذشته در فقه اسلامی خرید و فروش خون به دلیل مضرات و آلودگی‌ها و در نتیجه مفسده‌ای که در خون وجود داشت و همچنین نوع استفاده‌ای که از آن می‌شد یعنی خوردن آن به عنوان دارو یا غذا محکوم به حرمت بود. اما امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، کارکرد خون و نحوه استفاده از آن متحول شده و از تزریق آن برای نجات جان بیماران نیازمند و حفظ سلامتی آن‌ها استفاده می‌شود. همچنین با وسایل استریلیزه نگهداری و انتقال آن بدون آلودگی و مضرات امکان‌پذیر شده است و دیگر علتی برای حرمت خرید و فروش آن بدین‌منظور وجود ندارد و مفسده‌ای که در آن خرید و فروش و نوع استفاده از خون در گذشته وجود داشت امروزه جای خود را به منفعت محله عقلایی و حیاتی داده و در نتیجه حکم به حلیت آن شده است. همچنین تشریح جسد میت و قطع اعضای او در گذشته مصداق اهانت و هتک حرمت و یا مثله کردن بود در نتیجه حکم به حرمت و ممنوعیت آن شده بود و ملاک این حرمت در حقیقت مفسده این عمل بود. اما امروزه که با پیشرفت‌های علمی و پزشکی ملاک و کارکرد عمل تشریح و قطع اعضا متحول شده و در تشریح و قطع اعضای جسد انسان مصلحت و سودمندی است و موجب نجات جان انسان‌ها از بیماری‌های کشنده است و یا کشف درمان وابسته به آن است، در این موارد و بدین‌منظور دیگر حرمت ملاک ندارد و حکم آن با توجه به مصلحت حفظ حیات انسان زنده جواز بلکه گاهی وجوب است. بنابراین آن‌جا که مصلحت مهمی مانند حفظ جان در میان باشد این مصلحت ایجاب می‌کند که حکم نیز تغییر یابد و به عنوان نمونه حرمت اولیه تشریح (از باب هتک حرمت و اهانت به جسد میت) به هنگام ضرورت حیاتی و حتی ضرورت علمی جهت آموزش دانشجویان پزشکی و یا ضرورت امنیتی مانند تشخیص گناهکار از بی‌گناه به جواز تبدیل گردد زیرا این‌ها غرض مطلوب شارع است و دارای مصلحت قوی و منفعت عقلایی برای انسان‌هاست.

پس از بیان اهمیت اصل سودرسانی در نظام تشریع به بررسی مفهوم، گستره و اصول متناظر با این اصل در منابع فقهی می‌پردازیم. بدین جهت لازم است به منشأ و مصداق‌های سودرسانی انسان‌ها به یکدیگر توجه و عنایت داشته باشیم از این‌رو بررسی را با مسئله رحمت و احسان گسترده و بیکران خداوند به همه مخلوقات آغاز می‌کنیم:

ب - رحمت و احسان خداوند به مثابه الگو

خداوند از ابتدای وحی خود را با وصف رحمن و رحیم یعنی لطف و احسان و مهرورزی به همه مخلوقات در دنیا و نیکوکاران و مؤمنان در آخرت معرفی می‌نماید. «این دو صفت از ماده رحمت اشتقاق یافته‌اند و در وجود خداوند تعالی به معنی اعطاء، افاضه و رفع حاجت حاجتمند است. کلمه رحمان بر کثرت و بسیاری رحمت دلالت می‌کند و کلمه رحیم ثبات و بقا و دوام را می‌رساند پس خدای رحمان معنایش خدای کثیرالرحمه و معنای رحیم خدای دائم‌الرحمه است و به همین جهت مناسب با کلمه رحمت این است که دلالت کند بر رحمت کثیری که شامل عموم موجودات و انسان‌ها از مؤمنین و کافرین می‌شود (طباطبایی، ج ۱، ص ۲۹-۳۰)»

و پیامبرش را نیز بدین‌منظور برگزیده است که رحمت برای همه‌ی جهانیان باشد و او را با چنین وصفی توصیف فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء / ۱۰۷)»

و ما تو را جز آن که رحمت برای همه جهانیان هستی نفرستادیم.
سپس ایشان را اسوه و نمونه‌ای نیکو برای اقتدا و پیروی معرفی فرموده:
«لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة... (احزاب / ۲۱)»

همچنین همه اقوام و ملل را مخاطب ساخته و آنها را دعوت می‌کند که در نیکی‌ها و کارهای خیر بر یکدیگر سبقت گیرند: «... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ...» (بقره/۱۴۸) و شتافتن به سوی نیکوکاری و سبقت‌گیری در کارهای نیک را از ویژگی‌های افراد صالح و باایمان برمی‌شمرد: «... وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران/ ۱۱۴)»

بدین ترتیب انسان‌ها که خلیفه خدا در زمین هستند باید همانند پیامبر آراسته به چنین صفت خداوندی (رحمت) گردند: و همان‌گونه که حضرت علی (ع) خطاب به یکی از کارگزارانشان فرموده‌اند قلبشان را مالا مال از محبت و رحمت نسبت به همه مردم کنند: «أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِجَمِيعِ النَّاسِ ... (غررالحکم، ص ۱۴۰، ح ۱۶۸)»

از همان بدو پیدایش اسلام و تشکیل جامعه کوچک اسلامی واژه‌هایی چون احسان، اخوت، تعاون، تودد و دوستی با مردم، خیرخواهی، عفو و گذشت، تواضع، حسن ظن به دیگران، صداقت، قرض‌الحسنه، صدقه، انفاق و در سطح والاتری ایثار که همه برگرفته از آیات قرآن و وحی الهی و جلوه‌هایی از رحمت و احسان خداوندی بود، جایگاه خویش را در فرهنگ غنی اسلام یافته و به دنبال آن ابواب گسترده‌ای را در فقه تحت عنوان: خمس، زکات، جهاد، انفاق، وقف، امر به معروف و نهی از منکر و... به خود اختصاص داد که برخی از آنها در حد تکالیف و الزام شرعی است و همه در جهت ارتباط صحیح انسان‌ها با یکدیگر بر مبنای خیرخواهی و سودرسانی همگانی و رفع نیاز نیازمندان و توازن و تعادل اجتماعی و اقتصادی است. از آن‌جا که احسان و نیکوکاری و دیگر مصادیق آن هر کدام مصداق جامعی از اصل سودرسانی هستند که مبنا و اساس بسیاری امور قرار می‌گیرند و از سوی دیگر قرآن و سنت دو منبع اصلی از منابع و مصادر فقه ما هستند لذا هر کدام از این مصادیق را به‌عنوان یک اصل متناظر با اصل سودرسانی از منظر آیات و روایات مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

۲- اصول متناظر با اصل سودرسانی

الف - اصل احسان و نیکوکاری

از منظر اسلام خیرخواهی و نوع دوستی و در نتیجه احسان نمودن امری فطری و خدادادی است یعنی گرایش و رفتاری اخلاقی است که ریشه در ساختار وجودی انسان‌ها دارد و امر تلقینی برخاسته از ضرورت‌ها و یا توافق‌ها و قراردادهای اجتماعی و امثال آن‌ها نیست، بنابراین مانند همه احکام اخلاقی دیگر از ثبات، اطلاق و جهان‌شمولی برخوردار است.

احسان به معنای انجام دادن کار خیر و عمل نیک در مورد دیگری است «احسان هم شامل دفع ضرر می‌گردد و هم شامل جلب منفعت، زیرا از واژه احسان همین مفهوم اعم به ذهن متبادر می‌شود و به همین جهت اکثر محققان همین مبنا را پذیرفته‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ص ۴۷۶)». بنابراین ماهیت احسان عبارت است از کاری که موجب ایصال منفعت یا دفع ضرر در مورد دیگری می‌شود. فقها به آیات و روایات مربوط به احسان در ابواب گوناگونی از فقه برای استنباط احکام فقهی استناد نموده‌اند. قاعده احسان که کاربرد فراوانی در ابواب مختلف فقهی دارد از جمله این احکام است. احسان و نیکوکاری مصادیق فراوانی دارد از جمله: خیرخواهی، اخوت، تعاون، عفو و گذشت، نوع دوستی، تودد و مهرورزی به مردم، امر به معروف و نهی از منکر، تواضع، انفاق، قرض الحسنه، صدقه، و حد اعلای آن ایثار است که جایگاه بسیار والایی در تعالیم و حیانی دارد.

در آیات بسیاری از قرآن کریم واژه احسان و مشتقات آن به کار رفته و خداوند به آن فرمان داده است. همچنین از پاداش نیکوکاران و احسان‌کنندگان و این که هرگز اجر و مزد هیچ نیکوکاری را نادیده نگرفته و ضایع نمی‌نماید حتی اگر به اندازه‌ی ذره‌ای باشد سخن گفته است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ (نحل/۹۰)»

خداوند به عدالت و نیکوکاری و به بذل و عطا به خویشاوندان فرمان می‌دهد.

«وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره / ۱۹۵)»

و نیکی کنید همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

«وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ (قصص / ۷۷)»

و به خلق نیکی کن چنان که خدا به تو نیکویی و احسان کرده است.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (توبه / ۱۲۰)»

خداوند هرگز پاداش هیچ نیکوکاری را ضایع نمی‌کند.

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ... (زلزال / ۶)»

پس (در آن روز) هرکس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده (پاداش) آن را خواهد دید.

و فرمان و سفارش خداوند به نیکوکاری که براساس میل و گرایش فطری انسان به احسان و نعدوستی و در نتیجه سودرسانی به دیگران است پایه و اساس این اصل اخلاقی در اسلام و تأمین‌کننده ثبات، اطلاق و جهان‌شمولی آن است و می‌تواند مبنا و مستند قاعده فقهی قرار بگیرد.

در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ...» برخی مفسرین بیان داشته‌اند که: «خدای سبحان آن احکام سه‌گانه‌ای را که مهم‌ترین حکمی هستند که اساس اجتماع بشری با آن استوار است و از نظر اهمیت یکی پس از دیگری است ذکر فرموده است. زیرا از نظر اسلام مهم‌ترین هدفی که در تعالیمش دنبال شده صلاح مجتمع و اصلاح عموم است چون هرچند انسان‌ها فرد فردند و هر فردی برای خود شخصیتی و خیر و شری دارد ولیکن از نظر طبیعتی که دارند یعنی طبیعت مدنیت، سعادت هر شخصی مبنی بر صلاح و اصلاح ظرف اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند به‌طوری که در ظرف اجتماع فاسد رستگاری یک فرد و صالح شدن او بسیار دشوار است (طباطبائی، ج ۱۲، ص ۴۷۶).»

بنابراین خداوند برای صالح و سالم شدن جامعه که ظرف کمال انسان مدنی الطبع است و رفع آلام و نیازهای عموم انسان‌ها، پس از عدالت به احسان و انفاق فرمان می‌دهد. و با بیانی شیوا اعلام می‌دارد که اثر و ثمره این احسان به خود شما بازمی‌گردد.

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ... (اسراء / ۷)» اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید...

«این یک سنت همیشگی است نیکی‌ها و بدی‌ها سرانجام به خود انسان بازمی‌گردد... و هر خدمتی به دیگری می‌کند در حقیقت به خود خدمت کرده است... این قانون همیشگی در طول تاریخ بشر است، و خود تاریخ گواه آن است (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۲۶ و ۳۲).»

روایات در این رابطه نیز بسیار است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «لَيْسَ لِلَّهِ فِي عِبَادِهِ أَمْرٌ إِلَّا الْعَدْلُ وَالْإِحْسَانُ (مجلسی، ج ۵، ص ۱۹۸ و قمی، ج ۱، ص ۳۸۹)»

خداوند در میان بندگانش فرمانی جز عدالت و احسان ندارد.

حضرت علی (ع) هم احسان و نیکوکاری را در کنار تکلیف عدالت حاکمان قرار داده می‌فرمایند:

«عَلَيْكُمْ بِالْإِحْسَانِ إِلَى الْعِبَادِ وَالْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ (حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، ج ۶، ص ۶۴۷)» بر شما باد احسان کردن به بندگان و دادگستری در بلاد.

و در جای دیگر احسان به مردم را کمال ایمان و همچنین مقیاس و میزان ارزش‌گذاری انسان برشمرده‌اند:

«رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ (تمیمی آمدی، ص ۳۷۸، ح ۳۱)» کمال ایمان احسان و نیکی به مردم است.

«قَدْ رُكِلَ امْرِيٌّ مَا يُحْسِنُهُ (تمیمی آمدی، ص ۳۸۳)» منزلت و ارزش هر شخص به اندازه کارهای خیری است که انجام می‌دهد.

در فرهنگ غنی معارف اسلام دستور به احسان و نیکوکاری عام بوده و شامل احسان به همه بشریت می‌شود و این مهم با به کار رفتن لفظ الناس در بسیاری از آیات و روایات مربوط به احسان به صراحت مشهود است.

حضرت علی (ع) در همین رابطه نیکوکار واقعی را چنین توصیف می‌فرمایند:

«الْمُحْسِنُ مَنْ عَمَّ النَّاسَ بِالْإِحْسَانِ (تمیمی آمدی، ص ۸۷، ح ۱۶۷۸ و خوانساری، ج ۲، ص ۲۹)» نیکوکار (واقعی و کامل) کسی است که به همه مردم نیکی کند.

و در خطاب به یکی از کارگزارانشان بر این امر تأکید می‌ورزند:

«أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِجَمِيعِ النَّاسِ وَالْإِحْسَانَ إِلَيْهِمْ (تمیمی آمدی، ص ۱۴۰، ح ۱۶۸)»

دلت را از محبت و رحمت به همه مردم پپوشان و به آن‌ها احسان کن.

ب - اصل اخوت

از اولین اقدامات پیامبر اکرم (ص) به دنبال تشکیل حکومت اسلامی در مدینه‌النبی برقرار ساختن پیمان اخوت و برادری میان مسلمانان در جهت تحکیم پیوند دوستی و احساس برابری و مسؤولیت نسبت به یکدیگر با الهام از این کلام وحی بود:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (حجرات / ۱۰)»

همانا مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران خویش اصلاح نمایید.

«جمله انما المؤمنون اخوة قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریع می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی و حقوقی قانونی نیز دارد (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۴۷۰).»

«این جمله یکی از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی است، شعاری بسیار گیرا، عمیق، مؤثر و پرمعنی... اسلام سطح پیوند علایق دوستی مسلمین را به قدری

بالا برده که به صورت نزدیک‌ترین پیوند دو انسان با یکدیگر آن هم پیوندی براساس مساوات و برابری، مطرح می‌کند و آن علاقه دو برادر نسبت به یکدیگر است (مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۱۷۳).»

این اخوت دینی در عمل تعهدهای متقابلی را به وجود آورده و آثاری اجتماعی دارد که در روایات به آن‌ها اشاره شده است. پیامبر گرامی اسلام جامع‌ترین این تعهدات شرعی را تحت عنوان حقوق سی‌گانه‌ای که مؤمن بر برادر مؤمنش دارد و برائت از آن جز با ادا نمودن آن حقوق و یا عفو از آن حاصل نمی‌شود این گونه بیان فرموده‌اند:

«مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد که برائت ذمه از آن حاصل نمی‌کند مگر به ادای این حقوق یا عفو کردن برادر مسلمان او:

لغزش‌های او را بیخشد، در ناراحتی‌ها نسبت به او مهربان باشد، اسرار او را پنهان دارد، اشتباهات او را جبران کند... همواره خیر خواه او باشد... پیمان او را رعایت کند... در یاری او بکوشد، ناموس او را حفظ کند، خواسته او را برآورد... او را در برابر حوادث تنها نگذارد، آنچه از نیکی‌ها برای خود دوست دارد برای او دوست بدارد و آنچه از بدی‌ها برای خود نمی‌خواهد برای او نخواهد.»

ایشان (ص) با بیانی دیگر این حقوق را یادآوری نموده و می‌فرمایند:

«إِنَّ أَحَدَكُمْ مِرْأَةٌ أَخِيهِ فَإِذَا رَأَىٰ بِهِ أَدَىٰ فَلْيَمُطْهُ عَنْهُ (نهج‌الفصاحه، ص ۲۶۹، ح ۵۸۰)»

هریک از شما آینه برادر خویش هستید، وقتی زحمتی یا آزاری نسبت به او می‌بینید باید آن را از او دفع نمایید.

در واقع پیامبر اسلام (ص) با شعار برادری در آن عصر مبنای انسان‌شناسی نوی را پایه‌گذاری نمودند. این که انسان‌ها همه از یک منشأند و برادری نشان از برابری و هم‌طرازی انسان‌ها در اصل خلقت و حقوق طبیعی و ضد نژادپرستی، برتری‌جویی، ستمگری، زیاده‌خواهی و کبرورزی است و با پی‌ریزی جامعه مبتنی

بر برادری و برابری و تعاون و همیاری، پیوندهای اجتماعی را محکم‌تر نموده و اسوه‌ای برای همه جهانیان در همه اعصار به‌وجود آوردند. و با بیانی شیوا این اخوت و برادری و دوستی را چنین توصیف فرمودند:

«انما الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُيْهِمْ وَتَعَاظِفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا إِشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ (سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۳)»

مؤمنین در نیکی و مهرورزی به یکدیگر و ملاطفت با همدیگر به منزله یک جسد هستند، به هنگام احساس درد از یک عضو بدن، سایر اعضا و جوارح بدن باتب و بیداری با او هم صدا شده و یکدیگر را فرا می‌خوانند.

و بدین ترتیب اصل محبت و رحمت را به‌صورت یک جریان عمومی در کل جامعه تقویت نمودند. ائمه معصومین علیهم السلام نیز به تأسی از پیامبر (ص) و در راستای تشکیل جامعه‌ای صالح و سالم رهنمودهای ارزشمندی در این رابطه ارائه داده‌اند. از جمله امام صادق (ع) درباره جنبه‌های عملی اخوت دینی فرموده‌اند:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَدَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَغْشَاهُ وَلَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُ» (کلینی، ج ۲، ص ۱۶۶)

مؤمن برادر مؤمن است و به‌منزله چشم او و راهنمای اوست هرگز به او خیانت نمی‌کند و ستم روا نمی‌دارد او را فریب نمی‌دهد و هر وعده‌ای به او دهد تخلف نخواهد کرد.

همچنین می‌فرمایند:

«تَوَاصَلُوا وَتَبَاوَا وَتَرَاحَمُوا وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ (کلینی، ج ۲، ص ۱۷۵)»

با یکدیگر پیوند داشته باشید و به هم نیکی کنید و با یکدیگر مهربان باشید و همان‌گونه که خداوند به شما دستور داده است برادرانی نیکوکار باشید.

ج - اصل تعاون

از دیگر مصادیق احسان که خداوند بدان امر فرموده و از ویژگی‌های جامعه اسلامی اصل یکپارچگی و روح تعاون است که پیامبر اکرم (ص) نیز به تأسی از کلام وحی آن را به عنوان یک اصل اخلاقی اجتماعی که اساس زندگی جمعی بشر را تشکیل می‌دهد و از لوازم برپایی عدالت اجتماعی است، در جامعه آن روز بنا نهادند:

«... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى... (مائده / ۲)» و در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون و همکاری داشته باشید.

«الْبِرُّ اسْمُ جَامِعٍ لِلْأَعْمَالِ خَيْرَاتُهَا» (طریحی، ج ۳، ص ۲۱۸).

واژه «برّ» به معنی نیکی و نیکویی کردن است و مشتق از «برّ» به معنای احسان وسیع و گسترده به دیگران است که قرآن کریم آن را یکی از صفات خداوند معرفی کرده است:

«إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (طور / ۲۸)» بدین معنی که خداوند بارزترین مصداق چنین احسان گسترده‌ای به مخلوقات است و پیامبرش را نیز چنین توصیف می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء / ۱۰۷)» و ما تو را جز آن که رحمت برای همه جهانیان هستی نفرستادیم. و رحمت همان احسان به غیر است. و منظور این است که آیینی که ایشان آورده‌اند مایه نجات همه‌ی بشریت از چنگال نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و جهالت‌ها و نیل به سعادت و کمال است.

«و این (اصل تعاون) یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را دربر می‌گیرد، طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند... (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۲۵۳)»

پیامبر (ص) در ضرورت خیرخواهی عمومی، اهتمام به امور مسلمانان و تعاون و همکاری با آنان را در جامعه اسلامی از شروط و ویژگی‌های یک مسلمان دانسته

و فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ وَمَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۱)» هر کس چنین شود که به امور مسلمان‌ها همت نگمارد، از اسلام نیست و هر کس که شاهد باشد انسانی فریاد می‌زند و کمک می‌طلبد و به او کمک نکند، از مسلمان‌ها نیست.

انفاق‌های تبرّعی از مصادیق بارز تعاون اجتماعی در زمینه مالی جهت پر کردن بخشی از خلأهای مالی نیازمندان و برقراری توازن و عدالت اقتصادی است که جایگاه بسیار والایی در آیات قرآن کریم دارد همچنین مباحث مفصلی در فقه نیز به این مهم اختصاص دارد.

در نظام تشریع و فقه اسلامی جهت برقراری همین توازن و تعادل اقتصادی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه از طریق تعاون و مساعدت مسلمانان توانگر و ثروتمند تکالیفی در قالب الزام و وظیفه شرعی همچون خمس درآمد مازاد بر مصرف، زکات و مالیات‌های عمومی برای مسلمانان تعیین شده و ابواب مفصلی درخصوص آنها طرح گردیده است که مسلماً تنها اختصاص به جامعه آن روز پیامبر(ص) نداشته بلکه هرچه به طرف صنعتی شدن جامعه و تکنولوژی‌های نوین پیشتر می‌رویم آسیب‌های اجتماعی بیشتر شده و حمایت افزون‌تری را در این خصوص می‌طلبد. همچنین دستور به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد نیز مصادق تعاون و مساعدت برای اصلاح جامعه و در راستای اصل سودمندی عمومی است.

د - اصل مصلحت عمومی

مصلحت به معنای منفعت است «هر پدیده یا فعلی که متصف به خیر باشد دارای مصلحت است (عمید زنجانی، ج ۹، ص ۹۳)» این اصل را که می‌توان دیگرخواهی و دگردوستی نیز نامید به مفهوم توجه به مصلحت عامه نه منافع شخصی و فردی است.

در جامعه مبتنی بر برادری و برابری (که پیامبر اکرم(ص) به عنوان الگو و اسوه بنا نهادند) توجه به مصالح و خیر عمومی در مقابل منافع فردی و شخصی امری کاملاً طبیعی بود.

در نگاه رسول خدا(ص) اهمیت این امر تا آنجا بود که بهترین مردم را کسانی معرفی کردند که بیشترین خیر را برای دیگران داشته باشند:

«أَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمُ لِلنَّاسِ (نهج الفصاحه، ص ۲۱۶، حدیث ۳۱۷)» شایسته‌ترین مردم شایسته‌ترین آنها برای مردم است.

«خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ (همان، ص ۴۶۹، حدیث ۱۵۰۰)» بهترین مردم سودمندترین آنها برای مردم است.

و در بیانی شیواتر عاقل‌ترین مردم را سازگارترین آنها با خلق اعلام نمودند:

«أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَةً لِلنَّاسِ (ابن بابویه(شیخ صدوق)، ج ۴، ص ۳۹۵، حدیث ۵۸۴۰)» عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند.

و کمال عقل را پس از ایمان به خداوند در رعایت حال مردم بیان داشتند:

«رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقِّ (ابن شعبه حرانی، ص ۴۲)» کمال عقل پس از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم است به شرط آن که حق، ترک نشود.

در روایت دیگری همه انسان‌ها به عنوان خانواده خداوند معرفی شده‌اند که محبوب‌ترین آن‌ها نزد خداوند مهربان‌ترین با خلق هستند:

قال الصادق(ع): «قال الله عزَّو جلَّ: الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبَّهُمْ إِلَيَّ الْطَفَّهَمُ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ (مجلسی، ج ۳، ص ۲۸۵).»

امام صادق(ع): خداوند تعالی فرموده است: مردم خانواده من هستند و محبوب‌ترین آن‌ها نزد من مهربان‌ترین آن‌ها با مردم و پرتلاش‌ترین آن‌ها در رفع نیازهای مردم هستند.

ه - اصل تودّد و دوستی با مردم

در تعالیم و آموزه‌های اسلامی مهرورزی و دوست داشتن مردم پس از ایمان به خداوند مهم‌ترین اساس و بنیان عقل است.

قال رسول الله (ص): «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَ اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ (نهج‌الفصاحه، ص ۴۹۶، حدیث ۱۶۳۶)» اساس خرد پس از ایمان به خداوند، دوستی با مردم و نیکوکاری با افراد نیک و افراد ناشایست است. و ابراز این دوستی و مودت به مردم نیمی از خرد است:

قال موسى بن جعفر (ع): «التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ (کلینی، ج ۴، ص ۶۹۷. الوافی، ج ۲۶، ص ۲۷۱)»

قرآن کریم یکی از صفات اهل سعادت و ایمان را مهر و محبت و سفارش به صبر و رحمت و مهرورزی به یکدیگر معرفی می‌کند تا از این طریق پیوندهای اجتماعی محکم‌تر شود.

«ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (بلد / ۱۷)»

از کسانی باشد که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده‌اند.

المرحمة مصدر ميمي از ماده رحمت است و «مرحمت و رحمت برای انسان به معنی رقت و عطوفت نسبت به یکدیگر است (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۲۳۰)».

«مرحمت اشاره به محبت نسبت به خلق خداست و می‌دانیم اساس دین را ارتباط با خالق و خلق تشکیل می‌دهد (مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۳۳)».

و این اصل که برخاسته از میل و گرایش فطری و خدادادی انسان به نوع دوستی است جوهر اخلاق را تشکیل می‌دهد و به بشردوستی و حمایت از حقوق بشر و تکامل جامعه انسانی به سوی عدالت نظر دارد. زیرا انسانی که محبت و مهر

مردم را در دل دارد هرگز به آنان ستم نمی‌کند و در تعامل با آنان همواره در اندیشه رساندن خیر و سود به آنهاست.

پیامبر رحمت(ص) گستره این مهرورزی و محبت را نسبت به همه اهل زمین اعلام کرده می‌فرماید:

«الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ الْأَرْضِ يَرْحَمُكُم مِّنَ السَّمَاءِ (نوری، ج ۱۲، ص ۳۸۵)»

خدای والامرتبه مهربان به مهرورزان مهر می‌ورزد، به همه اهل زمین محبت کنید تا آن که در آسمان است به شما محبت نماید.

در همین رابطه حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر فرموده‌اند:

«أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللِّطْفَ بِهِمْ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)»

قلبت را از مهربانی با مردم بپوشان و به آنان محبت و مهرورزی کن.

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَإِنَّ لَهُمْ جَانِبَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَسْرَبْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ»

بالهای محبت خود را بر آنها (مردم) بگستر و با آنان نرم خو و گشاده رو باش و مساوات را در توجه و نگاه مراعات کن.

و - اصل مسئولیت همگانی

این اصل نیز جلوه‌ای دیگر از اصل احسان و خیرخواهی یا به عبارتی دیگر اصل سودمندی است که در روایات مورد تأکید قرار گرفته است و بدین مفهوم است که چون انسان به طبع اولیه خویش زندگی اجتماعی دارد و از مواهب و برکات آن بهره‌مند می‌گردد او نیز باید به دیگران بهره برساند و در برابر دیگران در زندگی جمعی احساس مسئولیت کند.

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «کَلِّم رَاعٍ وَ کَلِّم مَسْئُول...» (شهید ثانی، ص ۳۸۱) «همه شما مسؤول یکدیگر هستید. و در معارف دینی گستره این مسئولیت فقط به مسئولیت در برابر انسان‌ها محدود نشده بلکه به هر موجودی که در زندگی و رشد انسان نقش داشته باشد هم تسری پیدا می‌کند و باید در برابر آن موجود هم اعم از جاندار یا بی‌جان احساس مسئولیت کرد. چنان‌که حضرت علی (ع) به این نکته اشاره فرموده‌اند: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَلَى الْبَقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ» (نهج البلاغه فیض، خطبه ۱۶۶) از خداوند در مورد بندگان و شهرهایش پروا داشته باشید زیرا شما در برابر ساختمان‌ها و چهارپایان نیز مسؤول هستید.

این کلام مولا (ع) تجلی کامل اخلاق زیستی بر مبنای احساس مسئولیت و تعهد در برابر همه مخلوقات الهی است.

ز - قاعده نُصَح

در برخی از آیات و روایات، خیرخواهی با مشتقات واژه «نصح» آمده است. واژه «نصح» و «نصیحت» گرچه در زبان روزمره فارسی به معنی اندرز و نصیحت زبانی به کار می‌رود ولی در لغت عرب مفهوم وسیع و گسترده‌تری دارد و نصیحت زبانی بخشی از آن است.

راغب اصفهانی در «المفردات» می‌گوید: «نصح و نصیحت هر کار و هر سخنی است که در آن مصلحت دیگری باشد (علامه الراغب الاصفهانی، ص ۸۰۸).» و ابن اثیر در «النهایه» می‌نویسد: «النصیحه به معنی اراده خیر برای منصوح له است (ابن اثیر، ج ۵، ص ۶۳).»

نصح و خیرخواهی به این معنی است که انسان هرچه از خیر و خوبی و سعادت معنوی و مادی برای خویش می‌خواهد برای دیگران نیز طالب باشد و این یکی از

فضایل معروف است که در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است. به عنوان نمونه قرآن از زبان حضرت نوح (ع) می‌فرماید:

«وَأَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتٍ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (اعراف / ۶۲)»
رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

در این‌جا به دنبال مسأله ابلاغ رسالت سخن از نصیح و خیرخواهی امت به میان آمده است، در همین سوره همین مضمون با اندک تفاوتی در مورد برخی دیگر از پیامبران الهی مانند حضرت هود (ع) «اعراف ۶۸»، حضرت صالح (ع) «اعراف ۷۹» و حضرت شعیب (ع) «اعراف ۹۳» آمده است. مسلماً خیرخواهی ویژگی همه انبیا و اولیای الهی است و پیروان راستین آنان نیز باید خیرخواه دیگران باشند.

در روایات هم به نصیح و خیرخواهی در ارتباط با خلق و به منظور اصلاح روابط انسان‌ها با یکدیگر امر و توصیه شده است. از جمله پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «لَيَنْصَحِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ (مجلسی، ص ۲۸، حدیث ۴)» باید هرکدام از شما نسبت به برادر مؤمن خود خیرخواه باشد به همان اندازه که نسبت به خودش خیرخواه است. نکته ظریفی که در این روایت مدنظر است آن است که: پیامبر (ص) میزان و معیار خیرخواهی برای دیگران را چنین بیان فرموده‌اند که از منافع دیگران باید به اندازه منافع خویش دفاع نمود.

همچنین در نگاه ایشان بلندمقام‌ترین مردم نزد خداوند خیرخواه‌ترین آن‌ها نسبت به دیگران است.

«إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لَخَلْقِهِ (کلینی، ج ۲، ص ۲۰۸)»

بلندمقام‌ترین مردم در پیشگاه خداوند در قیامت کسی است که از همه بیشتر در خیرخواهی مردم تلاش کرده است.

ایشان همچنین خیرخواهی نسبت به مردم را عبادت محسوب نموده و عابدترین مردم را خیرخواه‌ترین ایشان برشمرده‌اند:

«أَنسَكُ النَّاسَ نَسْكَاً أَنصَحُهُمْ جِبّاً وَأَسْلَمُهُمْ قَلْباً لِّجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ (کلینی، ج ۲، باب نصیح، ص ۱۶۳)»

عابدترین مردم کسی است که نسبت به مردم خیرخواه‌تر و نسبت به تمام مسلمان‌ها سلیم‌القلب‌تر و باصفات‌تر باشد.

حضرت علی(ع) به فطری و غریزی بودن نصیح و خیرخواهی اشاره فرموده‌اند:

«الْمُؤْمِنُ غَرِيزَتُهُ النَّصِيحُ وَ سَجِيَّتُهُ الْكُظْمُ (تمیمی آمدی، ص ۷۰، ح ۱۳۵۲)»

خصلت مؤمن خالص بودن با مردم و خیرخواهی برای آنها و خوی او فرو بردن خشم است.

و امام صادق(ع) نصیح و خیرخواهی را یکی از اصول اساسی هفت‌گانه الگوی روابط انسان‌ها با یکدیگر بیان فرموده‌اند:

«وَأَصُولُ مَعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةٌ الْحِلْمُ وَالْعَفْوُ وَ التَّوَضُّعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّفَقَةُ وَ النَّصِيحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْأَنْصَافُ ... (مصباح‌الشریعه، الباب الاول، ص ۶)»

و اصول تعامل و رفتار با مردم هفت چیز است: بردباری و گذشت و فروتنی و سخاوت‌مندی و مهربانی و خیرخواهی و عدالت و انصاف...

ح - قاعده زرین

این اصل که بیانگر یکسان‌بینی و یکسان‌انگاری انسان‌ها نسبت به یکدیگر و به معنی با دیگران یکی شدن و دیگران را چون خود دیدن و خود را چون دیگران دیدن است از زیباترین مظاهر احسان و خیرخواهی و برخاسته از فطرت پاک و طبع سلیم بشری است از این‌رو نه تنها در همه ادیان الهی به‌عنوان اصلی برجسته رخ نموده است بلکه در طول تاریخ بر زبان حکما و عقلا و غالب بنیان‌گذاران

مکاتب اخلاقی و پیروانشان نیز جاری بوده است و برخی از آن‌ها از آن به عنوان مهم‌ترین اصل فلسفه اخلاق و چه بسا مهم‌ترین قاعده زندگی آدمی نام برده‌اند (گنسلر، ص ۱۷).

طبعاً در دین مبین اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین است و همه احکام و فرامین آن برخاسته از وحی و عقل و ملایم با فطرت پاک بشر بوده و نظام تشریعی هماهنگ با نظام تکوین و برای همه بشریت در همه اعصار است، این اصل تجلی والای دارد و جلوه‌ای از اصل عدالت فردی و اجتماعی است که در کلام پیامبر (ص) و ائمه علیهم‌السلام با شیوایی تمام مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر (ص) فرمودند:

«ما كَرِهْتُمْ لِنَفْسِكَ فَأَكْرَهُهُ لِبَغِيكَ وَ مَا أَحَبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَأَحَبَّهُ لِأَخِيكَ (نهج‌الفصاحه، ص ۷۰۰، حدیث ۲۷۰۰)»

آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند و آن‌چه را برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند.

و حتی عادل‌ترین افراد بشر را به داشتن چنین رفتاری وصف نمودند:

«أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا كَرِهَ لِنَفْسِهِ (همان، ص ۲۲۰، ح ۳۴۰)»

عادل‌ترین مردم کسی است که برای مردم همان را پسندد و بدان رضایت دهد که برای نفس خود رضایت می‌دهد و بر آنان آن‌چه را برای خود روا نمی‌دارد روا ندارد.

حضرت علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) به‌طور مفصل و دقیق این اصل اخلاقی (قاعده زرین) را بیان فرموده‌اند:

«يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِبِغِيكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهَا مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ

اسْتَفِیْحَ مَنْ نَفْسُکَ مَا تَسْتَفِیْحُهُ مِنْ غَیْرِکَ وَ اَرْضَ مَنْ النَّاسِ بِهَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مَنْ نَفْسُکَ
(نهج البلاغه، نامه ۳۱).

«ای پسر، نفس خود را میزان و مقیاس میان خود و دیگران قرار ده، پس آن‌چه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران می‌پسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکی کن آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آن‌چه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی.

نکته بسیار ظریف و دقیق در این تعالیم آن است که مولا علی(ع) ملاک و شاخص رفتار با مردم را میزان و مقیاس قرار دادن نفس خویش بیان نموده‌اند که در آن‌صورت از آن‌جا که هر انسان براساس حب نفس برای خودش جز خیر و نیکی نمی‌خواهد پس تعاملش با دیگران نیز براساس خیرخواهی و نیکوکاری و عدالت‌ورزی و نفی هرگونه بی‌عدالتی و ستمکاری خواهد شد.

ط - اصل حفظ صحت و سلامتی بدن

از آن‌جا که در آموزه‌های دینی اسلام بدن انسان ابزار تکامل روح است و جسم و تن مرکبی برای رشد معنوی و شکوفایی عقلانی انسان و حفظ صحت و سلامتی آن مقدمه‌ای برای سلامتی روح و روان می‌باشد، شرع مقدس اهتمام ویژه‌ای به حفظ حیات و سلامت جسمی آدمی مبذول داشته است.

اهمیت این مسئله از نظر شرع چنان است که شارع مقدس در این‌باره فرموده است:

«... أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائدة / ۳۲)»

... هرکس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آن که فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند به قتل رساند مثل آن است که همه مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.

در متون دینی مسائل پزشکی، درمانی و بهداشتی جهت حفظ صحت و تندرستی و شادابی جسم به صورت گسترده مطرح شده و توصیه‌ها و رهنمودهای فراوانی در این زمینه از جانب پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است و دقت در آن‌ها روشن کننده حقایق علمی بسیار والایی است که هم گواه جامعیت این دین است و هم گواه بعد الهی و غیربشری آن.

پیامبر اکرم (ص) دانش را به طور کلی به دو بخش تقسیم نموده‌اند: «دانش دین» و «دانش بدن»

«العلم علما: علم الأديان و علم الأبدان (مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۰)»

و در مورد سالم نگه داشتن بدن می‌فرمایند: «إِنَّ لجسدك عليك حقاً (همان، ج ۶۷، باب ۵۱، ص ۱۲۸)» بی‌شک بدن تو بر تو حقی دارد.

میان سلامت و تندرستی بدن و سلامت عقل تلازم وجود دارد و میان عقل ناب و شرع نیز هماهنگی برقرار است در همین رابطه است که حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

«ألا و إِنَّ من صَحَّةِ البدن تقوى القلب (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۸)» بدانید که تقوا و

پارسایی دل ناشی از تندرستی و سلامت بدن است.

هم براساس دلیل شرع و هم براساس دلیل عقل حفظ حیات و سلامت بدن چه در رابطه با خود شخص و چه در رابطه با سایرین نه تنها امری واجب و لازم است بلکه به گونه‌ای است که در فقه در تراحم با سایر موارد در اولویت قرار می‌گیرد. مثلاً برخی احکام فقهی نظیر وجوب روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که برای حیات و سلامت مکلف مضر باشد و یا حتی احتمال ضرر بدهد

ساقط شده و حتی در صورت انجام آن‌ها حکم حرمت و بطلان پیدا می‌کند. و یا خوردن برخی محرّمات نظیر گوشت خوک و مردار در حالت اضطرار و ضرورت مباح می‌گردد. همان‌گونه که در آیه ۱۷۳ سوره بقره به‌طور صریح به این مطلب اشاره شده است. فقها هم در همین رابطه توضیح داده‌اند:

«در صورت توقف حفظ نفس یا توقف بهبودی بیماری مهم برخوردن برخی محرّمات نظیر گوشت مردار و خوک عنوان اضطرار تحقق یافته و خوردن و استفاده از این محرّمات، مباح و حلال می‌گردد (خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۰ و حلی، ج ۳، ص ۲۳۰).»

هم‌چنین در فقه برای حفظ سلامت بدن از تعرض دیگران نیز احکامی تشریع شده بدین‌گونه که اگر کسی به سلامتی دیگری لطمه وارد کند علاوه بر حرمت تکلیفی این عمل در صورت عمدی بودن به سختی مجازات می‌شود و در صورت عمدی نبودن مجازات مالی شده و باید دیه عضو آسیب‌دیده را به صاحب عضو بپردازد. تا بدین‌وسیله سبب بازدارندگی از تعرض و بازستانی حق و جبران خسارت آسیب‌دیدگان باشد.

دقت در احکام شرعی و قوانین حلال و حرام الهی در ارتباط با خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و آنچه در برخی باب‌های فقه مانند طهارت و اطعمه و اشربه آمده است نمایان‌گر فلسفه عمیق تشریع این احکام در جهت بهداشت و حفظ صحت و تندرستی و رشد و سلامت جسم انسان است.

تمام دستورات دین در زمینه خوردن غذاهای طیب و پاکیزه و تحریم و نهی از خوردن برخی غذاها مانند مردار، گوشت خوک، شراب و هر چیز مسکر و مضر که در آیات قرآن و فرمایشات معصومین علیهم‌السلام آمده و هم‌چنین توصیه‌ها و سخنان حکمت‌آمیز پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام در این زمینه و در زمینه بهداشت و پاکیزگی فردی و اجتماعی بیانگر اهتمام و عنایت ویژه شرع

به این مهم و وجوب حفظ سلامتی و صحت بدن توسط خود فرد و توسط افراد دیگر است و این‌ها همه نشانگر احترام و کرامت خاصی است که شرع برای شخص انسان قائل است:

«... وَ يُحَلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ... (اعراف / ۱۵۷)»

.... بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند.

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ... (مائده / ۴)»

(ای پیامبر) از تو سؤال خواهند کرد که بر آن‌ها چه چیز حلال گردیده بگو برای شما هر چه پاکیزه است حلال شده.

در برخی تفاسیر نقل شده که: «خداوند دانش و دستورات پزشکی را در نیم آیه‌ای از کتابش گنجانیده است و آن آیه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا (اعراف / ۳۱)» است.

و رسول اکرم(ص) نیز همه طب را در این کلام کوتاه خلاصه کرده است: «المعدة بيت الداء و الجمية رأس كل دواء (طبرسی، ج ۲، ص ۴۱۳)» معده، مرکز و لانه تمام دردها و پرهیز، سرآغاز همه درمان‌ها و داروهاست. این آیه یکی از مهم‌ترین دستورات بهداشتی را جهت حفظ صحت و سلامتی بدن بیان می‌دارد.

امام حسین(ع) در همین رابطه فرموده‌اند:

«فبادروا بصحة الأجسام في مدة الأعمار (ابن شعبه حرانی، ص ۲۳۹)»

در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی خود بکوشید.

۴- کاربرد اصل سودرسانی (خیرخواهی) در فقه زیست پزشکی

همان گونه که بیان شد در آیات و روایات تأکیدات فراوانی بر اخوت و برادری، خیررسانی، احسان و نیکی، مهرورزی به مردم و احساس مسئولیت در برابر آنها و حفظ صحت و سلامتی شده است تا جایی که در برخی موارد مانند خمس و زکات (در امور مالی)، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر شرع مقدس آنها را به صورت الزام شرعی بر افراد مکلف تکلیف نموده است و حتی تصدی برخی امور و مشاغل که خیر و صلاح و سلامتی مردم به آن وابسته است مانند حرفه پزشکی در فقه واجب کفایی اعلام شده است. بنابراین هر عقل سلیمی بر این نکته اذعان می‌دارد که هرچه منفعت و مصلحت انسان‌ها را در پی داشته و معارض و نهی شرعی و عقلی نداشته باشد مطلوب خداوند است و باید به آن متعهد و ملتزم بود.

در حوزه فقه پزشکی و زیستی نیز آنچه به مصلحت نوع انسان‌هاست و با مصلحت هیچ فردی از انسان‌ها مغایر نیست نه تنها مطلوب شارع و مشروع است بلکه مصداق تعاون بر برّ و نیکوکاری می‌باشد. از این رو:

– همه تحقیقات و پژوهش‌ها و دستاوردهای جدید بیوتکنولوژی و هم‌چنین درمان‌هایی که در راستای سودرسانی و مصلحت و منفعت سوژه‌های تحقیقاتی و درمانی و کل جامعه بشری باشد عملی مشروع و پسندیده و مصداق احسان و خیرخواهی است و محقق و پژوهشگر آن در زمره محسنین قرار می‌گیرد.

– اهدای خون یا اهدای عضو از طرف انسان زنده جهت پیوند به انسانی دیگر برای نجات جان او (البته در صورتی که منجر به مرگ، اضرار نفس در حد غیرقابل اغماض و اذلال نفس نشود) از جلوه‌های اصل سودمندی و احسان به غیر است، بلکه به قول برخی فقها «چنین اقدامی از مصادیق بارز ایثار و اخلاق ستوده و پسندیده محسوب می‌شود و گاهی اوقات که اهدای عضو تنها راه نجات نفس محترمه‌ای باشد ممکن است واجب شود (مکارم شیرازی، ص ۴۶۹)». در این جا وجود

چنین مصلحت ضروری یعنی نجات یک نفس محترم ادله حرمت اضرار به نفس را از تنجز و فعلیت می‌اندازد (صافی گلپایگانی، ص ۹۳).

– وصیت به اهدای عضو پس از مرگ جهت پیوند به بیماران مضطر و نیازمند که حیات و سلامتی آنها وابسته به چنین پیوندی است مصداق بارز سودمندی و نوع دوستی و احسان و نیکوکاری است که در فقه این مصلحت اهم یعنی نجات جان و حفظ حیات یک انسان مؤمن بر حکم اولیه حرمت تشریح و کالبدشکافی مرده مسلمان و قطع اعضای او مقدم می‌شود و حکم مهم از تنجز و فعلیت می‌افتد. زیرا رعایت اهم هم به حکم عقل و هم به اتفاق نظر فقها واجب است.

– نه تنها وصیت به اهدای عضو بلکه وصیت به اهدای جسد پس از مرگ به دانشگاه‌های پزشکی جهت تشریح و کالبدشکافی به منظور آموزش دانشجویان نیز از مصادیق سودرسانی و احسان است و در صورتی که آموزش متوقف بر تشریح جسد همان فرد مسلمان باشد از باب مقدمه واجب، تشریح واجب می‌شود.

– در آیات و روایات دستورات بسیاری در زمینه حفظ صحت و سلامتی بدن آمده است که نشان از اهتمام ویژه شرع مقدس اسلام به سلامتی جسم و روان انسان است و به مقتضای این دستورات و آموزه‌های وحیانی می‌توان گفت که حفظ صحت و سلامتی بدن توسط خود فرد و دیگران فرض و لازم است. بنابراین پژوهش‌ها و تحقیقات درمانی و غیردرمانی پزشکان، محققان و پژوهشگران همواره بایستی به مصلحت بیمار و سوژه‌های تحقیقاتی بوده و برای سلامتی آنها و کل جامعه بشری سودمند باشد.

نتیجه

حاصل کلام آن که این‌ها همه نشانگر گستره، عمق و مفهوم بسیار والای اصل خیرخواهی و سودرسانی در فرهنگ غنی اسلام، آیات و روایات و جایگاه آن در فقه و نظام تشریع است که خاستگاه آن وحی الهی و عقل ناب انسان و فطرت خدادادی او و مخاطب آن همه ابنای بشر است که وظیفه دارند در تعامل با همه مخلوقات الهی اعم از انسان‌ها، حیوانات، طبیعت و محیط زیست اعم از جاندار و بی‌جان اصل سودرسانی و خیرخواهی و حفظ سلامتی و تعادل را مدنظر و مبنا قرار دهند. و طبیعی است که در آموزه‌های جهان شمول و نظام تشریع اسلام تعامل پزشک با بیمار یا محقق با سوژه‌های آزمودنی یا تعامل انسان با حیوانات و طبیعت براساس سودمندی و حفظ صحت و سلامت و تعادل آنها یکی از مصادیق و موارد اصل احسان و خیرخواهی است.

وقتی پزشک و پژوهشگر براساس اصل اخوت، بیمار و انسان مورد پژوهش را برادر خود دانسته و با او احساس برابری کند و شرط مسلمانی خود را که اهتمام به امور او و دیگر انسان‌ها است به جای آورد و نه تنها در مقابل او بلکه در مقابل کل موجودات عالم و طبیعت احساس مسئولیت نماید و براساس مهرورزی و دوستی و قاعده زرین به دور از تکبر و غرور بیمار و آزمودنی انسانی را هم‌چون خود و خود را چون او ببیند و مطابق دستورات دین و شرع خیرخواه او باشد و در طبابت و پژوهش‌ها همواره مصلحت و صحت و سلامتی جسمی و روانی او و همه مردم و حتی حفظ تعادل طبیعت را مدنظر قرار دهد و نتایج پیشرفت‌ها و پژوهش‌های خود را در راه خدمت‌رسانی در اختیار همه بشریت قرار داده و آن را منحصر به افراد یا منطقه‌ای با ویژگی‌های خاص نداند و همه این‌ها را مطلوب شارع مقدس و در نتیجه وظیفه شرعی و دینی و اخلاقی خود قلمداد نماید، متعالی‌ترین تجلی اصل سودمندی و خیرخواهی در اخلاق پزشکی و زیستی است

که از پشتوانه بسیار والا یعنی ایمان و اطاعت از خداوند برخوردار است. وقتی از این دید به این اصل نگریسته می‌شود، نیروی محرکه کارایی آن نیز که همان احساس «التزام درونی» است فراهم می‌گردد.

و الزام درونی که برخاسته از ایمان و اطاعت از یگانه آفریننده هستی است نیروی محرکه کارایی همه اصول اخلاقی از جمله اصل سودمندی است. نیروی محرکه‌ای که به گفته برخی محققان (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۱، ص ۶۳) در تمام نظریه‌های اخلاقی غیروحيانی مفقود است.

پی‌نوشت‌ها

1. Beauchamp & childress
2. Principles of Biomedical Ethics

فهرست منابع

- ابن الاثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۷۶ ه. ش.). *النهاية فی غریب الحديث و الاثر*، مصحح: طناحی، محمود محمد، ۵ جلدی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ه. ق.). *من لا یحضره الفقیه*، محقق: علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ه. ق.). *تحف العقول*، محقق: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه. ق.). *لسان العرب*، محقق: میردامادی، جمال الدین، ۱۵ جلدی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶ ه. ش.). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، محقق: درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ه. ق.). *غرر الحکم و درر الکلم*، محقق: رجایی، سید مهدی، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ۳۰ جلدی، قم، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی. (۱۴۱۷ ه. ق.). *العناوین الفقهیة*، قم، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حکیمی، محمد رضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی. (بی تا). *الحیاه*، ترجمه آرام، احمد، ۶ جلدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ ه. ق.). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دارالاضواء.
- الخمینی، روح الله. (۱۳۹۰ ه. ش.). *تحریر الوسیله*، قم، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- خوانساری، جمال الدین محمد. (۱۳۷۳ ه. ش.). *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی، دوره ۷ جلدی، تهران، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ه. ق.). *مفردات الفاظ القرآن*، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دمشق، دارالقلم، الدارالشامیه.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۱۵ ق.). *استفتائات پزشکی*، قم، چاپ اول، دارالقرآن الکریم.

- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ه. ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ ه. ش.). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ه. ش.). *مجمع البیان*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۵ ه. ش.). *مجمع البحرین*، ۶ جلدی، محقق: حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۰۰ ه. ق.). *القواعد و الفوائد*، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، نجف، چاپ اول.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۹ ه. ق.). *منیة المرید*، مصحح: مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۴ ش.). *فقه سیاسی*، تهران، چاپخانه سپهر.
- فیض الاسلام اصفهانی، احمد. (۱۳۷۲ ش.). *نهج البلاغه*، قم، مرکز نشر آثار فیض الاسلام.
- فیض کاشانی، محمد حسن. (۱۴۰۶ ق.). *الوافی*، اصفهان، چاپ اول، مکتبه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۱ ش.). "بیوتکنولوژی در آیین فلسفه اخلاق"، *فصلنامه پزشکی باروری و ناباروری*، سال سوم، شماره ۱۲.
- قمی، عباس. (بی تا). *سفینه البحار*، بیروت، دارالمرتضی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ ه. ق.). *تفسیر القمی*، محقق موسوی جزائری، طیب، ۲ جلدی، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ ه. ق.). *الکافی*، محقق: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گنسلر، هری جی. (۱۳۸۵ ش.). *درآمدی جدید به فلسفه اخلاق*، ترجمه حمیده بحرینی، ویرایش مصطفی ملکیان، تهران، چاپ اول، نشر آسمان خیال.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ه. ق.). *بحار الانوار*، ۱۱۱ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباح الشریعه، منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم (ع). (۱۴۰۰ ه. ق.). بیروت، اعلمی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳ ش.). *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، چاپ نهم، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ه. ش.). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵ ش.). *مجموعه استفتائات جدید*، بی جا، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵ش). مجموعه استفتائات جدید، بی جا، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق.). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام

نهج الفصاحه، گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده. (۱۳۷۷ش). تهران، چاپ سوم، انتشارات جاویدان.
Beauchamp, Toml. & childress, James F. "Principles of Biomedical Ethics", sixth edition, New York, Oxford University Press, 2009.

یادداشت شناسه مؤلفان

سهیلا صفایی: دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، تهران، ایران

نشانی الکترونیک: ssafaei_57@yahoo.com

محمود عباسی: فلوشیپ اخلاق زیست پزشکی، رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و نایب رئیس انجمن بین المللی اخلاق زیستی اسلامی

نشانی الکترونیک: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۵